

به نام خداوند هستی بخش

کلیدهای کاربردی پدر پولدار

{ اثر رابرت کیوساکی }

ترجمه: منصور بیگدلی


بهار سبز

{ فهرست }

فصل اول: هدف گذاری و تصمیمات معنادار

پیش گفتار	۱۵
چرا	۱۸
چه کسی	۳۰
از اشتباهات خود درس بگیرید	۳۲
چگونه اهداف خود را بسازید	۴۰
تمرین اهداف	۵۲
۹ نکته در مورد هدف شما از آزادی مالی	۶۵

فصل دوم: پنج نکته برای شروع موفقیت

از کوچک آغاز کنید	۷۵
اولویت های خود را شناسایی کنید	۷۶
سریع و زیاد شکست بخورید	۷۷
تیم منسجمی بسازید	۷۸
تمرکز	۷۹

فصل سوم: مدیریت پول

برنامه اضطراری گردش نقدی پدر پولدار	۸۵
کنترل گردش نقدی خود را در دست بگیرید	۹۳
روی رهاشدن از بدهی بد تمرکز کنید	۹۸

فصل چهارم: راهکار عملی برای رهایی از بدهی بد

مهار کردن قدرت بدهی	۱۰۷
درسهای آموخته شده	۱۱۲
چهار دسته دارایی که فردمی تواند در آنها سرمایه گذاری کند	۱۲۰

۱۰ گام برای رهاشدن از بدهی	۱۲۵
----------------------------	-----

فصل پنجم: باورهای خود را به چالش بکشید

۸ حقه مالی	۱۴۴
توهم سرمایه گذاری	۱۶۸
سخن پایانی	۱۷۴

پیش گفتار مترجم:

کتابی که پیش رو دارید **کلیدهای کاربردی پدرپولدار** نوشته‌ی رابرت کیوساکی نویسنده کتاب مشهور و پرفروش "پدرپولدار، پدر بی پول" می باشد که در چندین جلد کتاب و کتابچه منتشر شده بود و من آنها را ترجمه و گردآوری کردم و در یک قالب منسجم و کاربردی تقدیم شما عزیزان می کنم. هر بخش از این مجموعه دارای نکات کلیدی است که به تفصیل به آنها پرداخته و راهکارهای عملی برای آنها ارائه شده که بکارگیری آنها می تواند تاثیر شگرفی بر زندگی ما داشته باشد.

رابرت کیوساکی در کتاب هایش به داشتن دو پدر اشاره می کند. یکی پدر اصلی اش که فردی دارای تحصیلات عالیه دانشگاهی و کارمند دولت بود که او را پدر بی پول می نامد، زیرا با اینکه درآمد نسبتا خوبی داشت اما همیشه دچار دغدغه مالی بود که این دغدغه ها پس از بازنشستگی اش، بیشتر گریبانگیر او شد. از زندگی خود لذت نمی برد و شاد نبود چون همیشه گرفتار دغدغه هایش بود و سرانجام میراثی که باقی گذاشت جز قرض و بدهی نبود. پدر دیگرش، پدر پولدار، پدر "مایک" دوست صمیمی او بود؛ باوجود اینکه تحصیلات بالایی نداشت اما از سواد مالی خوبی برخوردار بود و از نظر مالی به سرعت پیشرفت کرد، همیشه پر امید و شاد و از زندگی خود راضی بود و میراثی که برای خانواده اش بجای گذاشت ثروتی هنگفت بود. تفاوت مالی این دو پدر به دلیل تفاوت در شیوه تفکر، ذهنیت و دانش آنها در مورد پول بود. او می گوید که پیشرفت خود را مدیون داشتن دو پدر است چرا که کشمکش بین پذیرش توصیه های آن دو منجر به شناخت تفاوت بین کارمندی و کارآفرینی و سرمایه گذاری شد. او با استفاده از راهنمایی های پدرپولدار خود توانست ثروتمند شود. از اشتباهاتش به عنوان پله های ترقی استفاده کرد، از مشاوران زبده کمک گرفت و سرانجام به آنچه که می خواست رسید: آزادی مالی، بازنشستگی پیش از موعد و سرانجام پرداختن به کارهایی که به آنها علاقه داشت.

از نظر رابرت کیوساکی مدارس، آموزش لازم برای موفقیت مالی را به ما نمی دهند، هر چند که او تحصیلات عالیه را زیر سوال نمی برد اما داشتن

تحصیلات را لازمی موفقیت نمی داند. به همین دلیل می گوید که برای موفق شدن از نظر مالی به سواد مالی نیاز است که در جایی غیر از مدرسه و دانشگاه باید به دنبال آن بود. این سواد شامل دانستن برخی اصطلاحات مالی مانند دارایی، بدهی، گردش نقدی، حساب سود و زیان و مواردی از این قبیل است که شاید برخی از آنها را بتوان بصورت تئوری آموخت اما یادگیری عملی آنها است که به موفقیت شما کمک می کند.

یکی از موارد بسیار مهم در امور مالی بحث بدهی است. برخی برای باورند که بهتر است هیچ بدهی نداشته باشی. اما با دانستن تفاوت بین دارایی و بدهی و همچنین "بدهی خوب" و "بدهی بد" به این نتیجه می رسیم که داشتن بدهی در برخی از مواقع ضروری هم هست. بسیاری از ثروتمندان هستند که بدهی زیادی دارند اما گردش نقدی آنها به حدی است که بسیار بیشتر از آن بدهی را پوشش می دهد و بواسطه ی همان بدهی هایی که ایجاد کرده اند ثروت آنها روز بروز در حال افزایش است. بیشتر مردم تفاوت بین بدهی خوب و بد را نمی دانند و بعنوان مثال ملکی که در آن زندگی می کنند و خودرو خود را دارایی به حساب می آورند اما از آنجایی که این دو هیچ درآمدی تولید نمی کنند جزو دسته بدهی ها قرار می گیرند. شاید بیشتر مردم برای باور باشند که بدهی در کل خوب نیست، اما بدهی که سودآور باشد و گردش نقدی ایجاد کند یک بدهی خوب است. مثل وامی که برای خرید ملک گرفته می شود و مستاجر آن ملک، اقساط آنرا پرداخت می کند. در مقابل وامی که برای خرید یک وسیله تجملی یا خودرو یا خرید خانه ای بزرگتر برای سکونت گرفته می شود و شما از حقوق ماهیانه تان مجبور به پرداخت اقساط آن هستید جزو بدهی های بد محسوب می شود. حال چطور می توان از همین بدهی بد استفاده مثبت کرد؟ یک سرمایه گذاری انجام می دهید مثلا خرید یک ملک و اجاره دادن آن، سپس از محل اجاره بهای دریافتی ملک، اقساط آن را پرداخت می کنید. در اصل شما از حقوق خود این بدهی را پرداخت نکرده اید، گردش نقدی شما بدهی را پرداخت کرده است. به عبارت دیگر بدهی خوب بدهی است که شخص دیگری آنرا برای شما پرداخت می کند.

از جمله تفاوت هایی که بین پولدارها و بی پول ها عنوان می شود این است که **ثروتمندان برای پول کار نمی کنند بلکه پول برای آنها کار می کند.** یک فرد